

## یادداشت

در حاشیه اجرای نمایش دختر یانکی در رشت

## خیلی دیر اما خیلی هیجان انگیز!

## | فرهاد فیمی |

۱- سال‌ها پیش که جوان دانشجویی بودم در حال تحصیل در خارج از پایتخت، یکی از حسرت‌های بزرگ و همیشگی‌ام از دست دادن اجرای نمایش‌هایی بود که می‌شد با امتحان‌های میان ترم یا اسنادهای سختگیری که به هیچ وجه غیبت از کلاس را بر نمی‌تابیدند. خبرها را می‌خواندی که سمندریان، شهرستانی یا مرزبان فلان تئاتر را روی صحنه می‌برند و افسوس می‌خوردی که چرا درس خوان ت نبودی تا در همان پایتخت محصل باشی و از دانشگاه بکراست بروی تئاتر شهر و عیشت مدام باشد. آن روزها مثل این روزها نبود که اینترنت خیلی از قفل‌ها را گشوده باشد. باید برای تهیه بلیت نمایشی تماشایی ساعت‌ها قبل در صف می‌ماندی و تازه شاید عاقبت دست از پا درازتر بازمی‌گشتی. اینطور نبود که با چند کلیک و از راه دور بشود قرار دورهمی تماشا گذاشت و نیم‌ساعت قبل از اجرا پشت در حاضر بود. تا همین چندسال پیش همه چیز سخت بود و همین دشواری‌ها تئاتر را خموده کرده بود.
۲- تئاتر در ایران رفته رفته راه خودش را سوا کرد و به هنر خواص تبدیل شد. یعنی هر چه که فیلم‌های پاپ کسور در تمام دهه‌ها پیش و کم حاضر بوده‌اند و موسیقی عوام‌پسند لحظه‌ای از نواختن فروگذار نکرده، نمایش‌های تخته حوضی و حتی تعزیه‌ها رو به افول گذاشتند تا هنر نمایش روی صحنه بسرد در گنجیه مخاطب خاص خود بنهان شود؛ محدود بماند در پایتخت و مهجور در نگاه اکثریت. چندر نمایش همه‌فهم درخشان در دهه‌های گذشته روی صحنه رفت و کسی خبردار نشد و شیوقی نیافرید و غبار از شانه‌های این هنر کلاسیک تکان نداد.
۳- نزدیک به دو دهه قبل نمایش معرکه در معرکه، نوشته داوود میرباقری را سیاوش طهمورت در تهران با روی صحنه برد و بعدها طی یک تور خارجه، در آمریکا و اروپا به روی صحنه رفت. آن سال‌ها سسکه میرباقری در سینما و تلویزیون در اوج بود و نامش حتی اقبال یکی از بهترین شاخه‌های هنر یعنی تئاتر در معرکه دور دنیا را چرخید و در ایران به گمانم فقط شیرازی‌ها خوش اقبال بودند تا این نمایش را از نزدیک تماشا کنند. دردناک نیست؟ سرزمین ما که گوشه گشوده‌اش خانه شعر و نثر و موسیقی است و بسیار هنرها که رگ و ریشه‌شان به جای دورتر از پایتخت بازمی‌گردد ایستک با کلاسیک‌ترین شکل هنرهای مختلف، واقعا فضاگیری کرده‌اند.

۴- اجرای نمایش دختر یانکی در سالن‌های خارج از پایتخت یکی شروع فرخنده است؛ بسیار هیجان‌انگیز. به‌خصوص در شهر که مرکز و مبدأ بسیاری از اولین‌های عرصه فرهنگ بوده است. بی‌شک جوان‌های رشت می‌دانند چه می‌گویم. تصور کنید که روزی خشک‌سالی و اورغ یا پروفیسور بابوس را در شیراز و اسفهان و اهواز روی صحنه ببینید. چه غوغایی خواهد بود وقتی بسیانی و کایتیان هزار کیلومتر دورتر از پایتخت نفس خود را می‌کشند. واقعا خوش بختند. طی سال‌های گذشته نمایش‌های پر مخاطب زیادی در پایتخت روی صحنه رفته که با امکانات حداقلی و آکسسوار محدود جمع و جور اجرا شده‌اند. واقعا فوق‌العاده نیست که پهنه وسیع اجرا زمین با این جمعیت که مشتاقان هنر بسیار دارد ا محروم نگه داشت؟

۵- این نقطه آغاز یک رخداد فرخنده است. همین که اجرای تئاتر استخوان‌دار در دیگر شهرهای کشور هم باب شود بیش از همه برای هنر نمایش تولدی دوباره خواهد بود. علاوه بر رشد اقتصادی و رونق فرهنگی، بی‌شک گسترش استعدادهای فراخوش‌شده‌ای که در اقصی نقاط کشور انگیزه‌های تازه‌ای خواهند یافت. واقعا چطور می‌شود که این همه کنسرت با در دسترس‌های فراوان در شهرهای مختلف اجرا می‌شود و فیلم‌های سینمایی برای اکران سالن کم می‌آورند اما تئاتر سال‌ها و دهه‌هاست که به خودش زحمت نداده تا بختش را در خارج از پایتخت بیازماید.

۶- به پنهام تشکر و یکتا ناصر و بهرام تشکر باید سپاسگزار بود. نمایش دختر یانکی در شهرهای مختلفی اجرا شد و در ایستگاه آخر به رشت رسید. چه خوب می‌شود اگر این دغدغه در ذهن‌های بزرگ عرصه تئاتر هم بیدار شود. چه خوب می‌شود اگر یکسال دیگر تماشاگران برای نمایش‌های نمایش‌ها هم در شهرهای مختلف صف بکشند. چه خوب می‌شود اگر تئاتر از این پوسته منزوی خود خارج شود و همه جای ایران را ببیند.

۷- هیوشه اولین‌ها در کشورمان در دست‌رهایی دارد. تجربه‌های نخستین همواره پر از ناامناهنگی و هرج و مرج و ایرادهای ریز و درشت است ولی... لشوار هست اما قطعاً شدنی است. به‌خصوص در روز گاری که مدبریت فر هنگ برنگ کرده نگاه توسعه‌گرا و همراه دارد و بنا را بر حمایت گذاشته. پس چه فرصتی از این بهتر؟

**اول تهران وبعد شیراز و حالا هم تور شمال ایران.** در ایران کمتر پیش می‌آید چنین تور هنری بر گزار شود. مخصوصا تئاتر که اجراش در شهرستان‌ها ریسک محسوب می‌شود. **چطور این ریسک را قبول کردید؟**
**بهرام تشکر:** وقتی نمایش دختر یانکی را که به قول گدازشتند تا هنر نمایش روی صحنه بسرد در گنجیه مخاطب خاص خود بنهان شود؛ محدود بماند در پایتخت و مهجور در نگاه اکثریت. چندر نمایش همه‌فهم درخشان در دهه‌های گذشته روی صحنه رفت و کسی تاخیر نمایش را اجرا کردیم. بدیدیم به ذهنم خطور کرد که چرادر شهرستان‌ها این نمایش را اجرا نکنیم. من در گیلان به دنیا امدم. استانی که یکی از اولین‌های تئاتر کشور بود. یعنی تئاتر در این استان و مردانش ریشه دارد. دوران تحصیل هم استان‌های گلستان و مازندران بود. یعنی از نزدیک شاهد علاقه مردم این استان‌ها بودم. خب پیش خودم حساب کردم چسرا این مردم با فرهنگ و هنر دوست باید از دیدن یکی از بهترین شاخه‌های هنر یعنی تئاتر محروم باشند. تصمیم گرفتم به سهم خودم شب‌های خوبی را برای مردم این استان‌ها رقم بزنم و امیدوارم که موفق هم بوده باشم. پاسخ خوبی هم از آنها گرفتم. حضور همیشگی شان در سالن‌های تئاتر قوت قلبی بود برای همه‌ا.

**پنهام تشکر:** حق با بهرام است. حضور ما در شهرستان‌هاواستقبال مردم شهرهای مختلف نشان داد که هنر ریشه در فرهنگ ایرانیان دارد. ایرانی‌ها لایق بهتر از اینها هستند. وقتی مردم اینچنین از یک نمایشنامه خارجی استقبال می‌کنند نشان‌دهنده قدرت بالای درک و فهم هنری و فرهنگی ایرانی‌ها حتی در شهرهای کوچک‌است.

**یکتا ناصر:** علاوه بر اینها فکر می‌کنم کمدی بودن این نمایش هم تأثیر زیادی در جذب مخاطب داشت. دختر یانکی نه تنها یک نمایش کمدی و مورد علاقه عام مردم است که یک نمایش با مفهوم روشنفکری نیز هست و از این‌رو طبقه اقلیت را نیز به سالن نمایش می‌کشاند. پس ما شانس آوردیم که هم مردم بافرهنگی داریم و هم نمایش به‌خصوص با ویژگی‌های خوبی برای اجرا انتخاب کردیم.

**آقای بهرام تشکر:** **آیا شما هم آگاهانه و به‌خاطر جذب مخاطب این نمایشنامه را انتخاب کردید و همین‌طور شما آقای پنهام تشکر و خانم یکتاناصر به‌عنوان بازیگر؟**

**بهرام تشکر:** به هیچ‌وجه فضاسازی و دیالوگ و اصولا موضوع نمایش تأثیر فوق‌العاده‌ای روی من گذاشت. یادم هست ماماها بعد از خواندن این نمایشنامه مشغول فضاسازی در ذهنم بودم و داشتم خودم را مجاب می‌کردم که آیا می‌توانم این نمایش را در ایران روی صحنه ببرم. البته ترجمه عالی آقای شهرزگر هم بی تأثیر نبود.

**پنهام تشکر:** نیل سایمون در این نمایش می‌خواهد بگوید که روشنفکران جامعه‌هاش در زمان‌های حساسی که باید نقش خودشان را در حل مشکلات ایفا کنند غافل‌اند فقط حرف می‌زنند.خب این برای من که در جامعه خودمان این مشکلات را زیاد دیدم جذاب بود و خیلی خوشحال شدم که برادرم پیشتهاد بازی در این نمایش راه‌من داد.

**یکتا ناصر:** داستان جذاب این نمایش عالی برای منی که بیشتر در سینما و تلویزیون بودم، وسوسه برانگیز بود و خیلی دوست داشتم تجربه خوبی در این کار داشته باشم که واقعا هم عالی بود.

**صهرالاحضور نمایش‌هایی که از پایتخت به شهرستان‌ها می‌رود، منجر به ارتقای تئاتر شهرستان‌ها می‌شود یا فضا را برای حضور تئاتری‌های آن استان تنگ می‌کند، چون در بعضی از سفرها پتان به شهرستان‌ها شاهد برخی انتقادات بودم که چرا امکانات یک‌استان باید در اختیار گروه‌های تهرانی قرار بگیرد و تئاتری‌های استان محروم بمانند؟**

**پنهام تشکر:** در این که تئاتری‌ها در شهرستان‌ها از امکانات بسیار پایینی برخوردار هستند شکی نیست اما دوستان و همکاران باید باور بفرمایند که حضور تئاتری‌ها از شهرهای دیگر در شهرشان موجب به وجود آمدن موجی می‌شود که در نهایت تئاتر را به مردم و مسئولان شهر بیشتر معرفی می‌کند و همین امر منجر به رونق بیشتر این رشته

# تئاتر



## گفت‌وگوی توامان با عوامل دختر یانکی

# وداع در مهر ماه

بابک مهدی‌زاده | تور هنری در ایران مقوله چندان جالفتاده‌ای نیست. شاید در عرصه موسیقی تا حدودی شاهد تور‌های هنری باشیم اما در عرصه تئاتر کم پیش آمده که هنرمندان عزم سفر کنند و در شهرهای مختلف تئاترشان را به روی صحنه بزنند. اما از سال گذشته، عوامل نمایش دختر یانکی با ۳ بازیگر شروع و به برپایی یک تور هنری کردند. داستان از تهران شروع شد. در سالن نیاوران و به مدت ۳۰ روز. در بهمن‌ماه ۹۲. از ابتدای ۹۲ هم تور ایران‌شان شروع شد. شیراز و گرگان و بابل و چالوس و اینک ظاهرا به ایستگاه آخر رسیدند. شهر رشت. دختر یانکی در رشت اجرا شد تا حسن ختامی باشد بر ایرانگردی دختر یانکی. البته وداع اصلی دوباره در تهران بود. در اواخر مهرماه به مدت ۲ شب. از این رو نشستی داشتیم با عوامل نمایش دختر یانکی. یعنی بهرام تشکر به‌عنوان کارگردان و بازیگر و پنهام تشکر و یکتاناصر به‌عنوان بازیگر. در این گفت‌وگوی توامان از تجربه‌شان در خصوص این تور هنری پرسیدیم و تأثیری که بر تئاتر شهرستان‌ها می‌گذارد.

هنری می‌شود. مخالفت با حضور گروه‌های تئاتر از شهرهای دیگر عین این می‌ماند که مخالف خرید بازیگر خارجی در فوتبال مملکت باشیم. منظوم این نیست که تئاتری‌های تهران بهتراند یا بتر یا کدام اگر تئاتری‌های بهتری دارد. منظوم این است که شهر تئاتری‌های بهتری در حضورهای بی‌دربی در شهرها باشد. هم علاقه در مخاطب بیشتر می‌شود، هم حس رقابت به وجود می‌آید و هم مسئولان درمی‌یابند که باید امکانات بیشتری برای این رشته هنری در اختیار هنرمندان قرار دهند.

**بهرام تشکر:** یکی از گلابه‌های برخی از دوستان در بعضی از شهرستان‌ها این بود که چرا دستمزد تئاتری‌های تهران نسبت به شهرستان‌ها بیشتر است. خب اتفاقا دانستن این امر از سوی مسئولان شهری و هنرمندان شهرستان‌ها باعث می‌شود که نسبت به دستمزدهایشان حساس تر شوند و ارزش واقعی کارشان را طلب کنند. باور کنید اگر ب تئاتر در شهرستان‌ها افزون شود و مسئولان هم علاقه‌افر مردم به تئاتر را ببینند، ناگزیرند که با خواسته‌های هنرمندان تئاتر موافقت کنند.

**یکتا ناصر:** برای من هم حضور در شهرستان‌ها جالب بود. صحبت با همکارانم در شهرستان‌ها و آشنا شدن با محدودیت‌هایشان، حضور بیشتر دیگر گروه‌های تئاتر در شهرستان‌ها و حتی برخی گروه‌های تئاتری شهرستانی به تهران و شهرهای دیگر موجب یک تبادل فرهنگی و کاری می‌شود و ما را تبدیل به یک خانواده بزرگ و همبسته می‌کند که این امر می‌تواند سدها را کنار بزند و مشکلات را مرتفع کند.

**آقای بهرام تشکر، در تئاتر دختر یانکی یکی از نقاط ضعف صحنه تئاتر است. ایده طراحی صحنه‌از کجا شکل گرفت و چرا چنین شمایی پیدا کرد؟**

**بهرام تشکر:** طراحی صحنه ایسن کار در عین انسجام، که به لحاظ بصری ارابه می‌دهد، تلقیفی از ۱۳ آگهی در طراحی صحنه است. البته این مهم که یازاین تلقیق درست بوده یا نه او مایق بوده یا نه بر عهده قضاوت تماشاگرانی است که با آن روبه‌رو شده‌اند. او از همه یک زمینه واقع‌گرایانه داریم که در اجزای اصلی خانه، شکل پله‌ها، قرار گیری اتاق‌ها و آشپزخه لحاظ شده است و خب با کمی تغییر از دل متن آمده است؛ خانه به هم ریخته و نامرتبی است که نشان‌دهنده زندگی ۲ روزنامه‌نگار معترض است و البته نشان از زندگی کم‌درآمد و آشفته حال آنها نیز دارد؛ به‌خصوص پس از استخدام «سوفی» به شکل عمدی این آشفتگی بیشتر می‌شود تا صحنه در راستای فروپاشی روابط بین کاراکترها در پایان نمایش حرکت کند. دوم، قرار گیری توالف‌ترنگی در مرکز نقل‌دکور است که در واقع تقاطع همه عبور و مرورهاست. این شیء، خود را از متن صحنه جدا می‌کند و به عنصری برجسته بدل می‌شود که از همان آغاز «نشانه» بودن خود را به رخ می‌کشد و در نهایت تابلوی مرلین مونرو یا ندیوار هولکه باز هم جدا از متن واقع‌گرایانه صحنه در بالاترین قسمت جداز می‌شود. واقع‌گرایانه صحنه در بالاترین قسمت متن یعنی به دوران تاریخی خود و به تنهایی بار معنایی بسیاری از رویدادها را در آن دوره به دوش می‌کشد. توالف‌ترنگی و تابلوی وار هولو البته بسیاری از اشیای کوچک دیگر در متن سایمون نیست و به کار اضافه‌شده‌است.

**به نقطه خوبی رسیدیم، چه بخش‌هایی را به**

بحران‌های میان دختران و پسران را در موقعیت‌های گوناگون به چالش می‌کشند. این برابری بازیگر، کارگردان، طراحان و در پیش از همه اینها تماشاگر جالب توجه‌است.

**آیا توانستید به‌راحتی این نقش‌رادر بیابورید؟**
**پنهام تشکر:** برای اجرای این نقش یک‌سال ونیم تمرکز و مطالعه پژوهشی را سپری کردم و در نهایت با اطلاعات به دست آمده و داده‌های کارگردان پس از ۲ ماه تمرین به‌اجرا رسیدیم.

**خانم ناصر این نمایش اولین حضور تان در تئاتر بود. آن هم با ۲ بازیگر حرفه‌ای تئاتر. اصلا چه شد که وارد این ریسک شدید؟**

**یکتا ناصر:** در مصاحبه دیگری هم گفته بودم که پیشنهادات زیادی داشتم اما پیشنهاد دختر یانکی از جنس دیگری بود. دلیل اصلی‌اش هم متن زیبای داستان بود که اگر آن را در کنار یک مجموعه حرفه‌ای می‌گذاشتی یک پیشنهاد عالی محسوب می‌شد و برای بازیگر، رویه‌ر و به‌عقبت بهتر از این اتفاق‌ا وجود ۲ بازیگر حرفه‌ای تئاتر کار مسرا هم راحت کرد چون راهم‌مای بی‌زادی از ایشان می‌گرفتم.

**ریسک دیگر تان در این کار بازی در یک**

**داستان کمدی است. در حالی که شما تجربه کار کمدی هم‌نداشتید. آیا فکر می‌کنید توانستید از عهده این کار بر بیایید؟**

**بهرام تشکر:** درست است و اتفاقا کمدی بودن داستان یکی از دلایل انتخابش توسط من بود. بالاخره ما روی سن تمام سعی‌مان را کردیم و خنده‌ها و تشویق‌های تماشاگران را با آلا احساس می‌کردیم. شیدین نمایشنامه‌اش برای بعد از اجرای هر حرکت کلیدی در نمایشنامه‌های خارجی چشم‌پوشش فقط به خاطر این که تماشاگر ما به دلیل مطالعه کم و فاصله گرفتن از تئاتر و سینما دوری از متن‌های جدی‌تر توانایی درک مفاهیم را از دست داده‌است.

از روز اول در مواجهه با تئاتر فرنگ سنگ‌بنای تئاتر ایران یا «اداپتاسیون» نهاده شد که در آن شرایط تاریخی قابل فهم است، اما ما همچنان باید همه چیز را برای تماشاگران راحت و خوشمزه کنیم و در این دوره سیاسی-اجتماعی این راحت‌طلبی واقعا آزاردهنده است. در این زمینه سخن بسیار است، بگذریم. همان‌طور که گفتم تغییر اساسی در پایان‌بود که در برابرش حرفی نمی‌زنم تا خوانندگان خودشان متن را بخوانند و اجرا را ببینند و قضاوت کنند؛ در این نکته کالیفت است که هر آنچه به دیالوگ‌ها یا کنش‌ها افزوده شده، در راستا و چارچوب خود متن رخ داده است؛ در اجرا چیزی نخواهید دید که از الگوی درام سایمون خطمی کرده باشد یا به اصطلاح «ارنیزه» شده‌باشد.

**آقای بهرام تشکر از شخصیت «نورمن» که خودتان نقشش را بازی می‌کنید، بگویید.**
**بهرام تشکر:** نورمن، دیوانه نابغه‌ای است که نیروی خلاقه‌اش را در خدمت چاپ‌نشریه معتزی که در آورده، او نویسنده زبردست و قهاری است که می‌تواند در باره همه چیز بنویسد. بسیار جالب است، زمانه خود را نقد می‌کند. روشنفکران چپ همیشه می‌را بازنشده‌های چرخ‌خنده چرخ‌ایران کرده‌اند. دشوار است چون توانایی این را دارند که متقاعدتان کنند. همان‌گونه که سیستم سزماپه‌داری دست به استعمار آمده‌ای می‌زند تا چرخ تولیدش را تندتر بچرخاند، اندی» به شکل بی‌رحمانه‌ای دست به استعمار «نورمن» می‌زند تا محله را با سزعت بیشتری در حال خوشگذرانی رنج‌آوری با صاحب خنامش است از «نورمن» همچون یک ماشین کار می‌کشد تا ایده‌های خود را پیش ببرد، از همین‌روست که سخنرانی «اندی» قابلی جلوه می‌کند و خشونت موجود در دم و دست‌گناه دولتی گریبان خود جریان ضدسیستم را نیز می‌گیرد. «نورمن» یک قربانی است که لحظه‌رهایی‌بخشش همان عشقش به «سوفی» است، جایی که به گفته خودش: «شدم به حیصون». او از متفکر به حیوان‌گذر می‌کند، از عقلایت به غریزه و اینجاست که می‌تواند از چرخه استعمار «اندی» خود را خلاص کند؛ اما دریغ که هم از آنها برای صحیح‌سخن گفتن با مخاطبش بهره ببرد. انتخاب و هدایت بازیگران، طراحی مینزاسیون و خلق صحنه‌های بدیع و نواین نمایش را از دیگر نمایش‌های روی صحنه متمایز می‌کند. تأیید این مدعی استقبال کم‌نظیر مخاطبان و ابراز ضایتمندی از مشاهده این نمایش در تهران و ۵ شهرهای است که در استان‌های کشور داشته‌است.

این نمایش، محصول بلوغ نگاه اجتماعی کارگردانی است. بلوغ به جهت رسیدن به متنی که در اجتماع امروز دینی‌شدنی است.

## یادداشت

### تفنگ سرور

| مهدی نصیری

| عضو کانون ملی منتقدان تئاتر ایران |

دختر یانکی نمایشی کم‌دی است که در پیرنگ متن رگه‌های رئالیسم با پیکان تند انتقاد صاحبانش چه در متن و چه در اجرا به چشم می‌خورد. پیکانی که معضلات جامعه کنونی را نشانده‌فته‌است.

نویسنده و کارگردان این نمایش در تولید این مجموعه اثر، نقاط مشترک و قابل تأملی را به وجود می‌آورند. در کنار این مسأله، نکته مشترک قابل تشخیص دیگر نوآوری در خلق متن و اجرایی است که به‌پایه آن موضوع نگارش این یادداشت است. جریانی که به آن اشاره می‌شود در چگونگی خلق شخصیت‌ها و رنگ آمیزی آنها بر صحنه نمود بهتری پیدا می‌کند. چنین مشخصه‌ای ریشه در ترسیم زمینه دقیق موضوع و موضوعات کلامی و نوشتاری و در کنار آن ترکیب‌بندی و چیدمان مجریان و انگیزه‌های کافی برای کاراکترهای درام و اعمال آنها در متن و صحنه مشاهده می‌شود. به این معنی که هر کدام از شخصیت‌های نمایش برای انجام کار و فعالیت خود انگیزه‌های دارند که در واقع سوخت موتور شخصیت به حساب می‌آید. در چنین فرآیندی قربانی شدن افشار بی‌گناه جامعه و عدم حاکمیت قانون، غلبه نرومندان و زورمندان بر افشار ضعیف یا به قولی حاکمیت قانون جنگل از دیرباز به‌عنوان یک منش و مشرب در جامعه مطرح بوده و نمونه‌های بسیاری از آن در دنیای کنونی قابل تشخیص است. شاید اگر چنین درامی در مقطع خاصی از تاریخ، به‌عنوان مثال، بروز انقلابات به روی صحنه می‌رفت، اجزاعت آن بیشتر از قبل قابل درک نبود. اما در این مقطع و با وجود رمزگشایی‌های متعددی که در عرصه‌های مختلف از جمله هنر نمایش انجام گرفته‌بایشتر این اقبال عمومی مواجه‌شده‌است.

دختر یانکی ویژگی‌های آثار مشابه نظیر خود را در لحن و زبان شنیداری دارد و از این منظر آن رامی‌توان ادامه آثار صحنه‌ای کارگردان آن هم دانست.

«دختری با ستاره‌های در دوش» یا به قول شهرام زرگر در نقش مترجم نمایش، «دختر یانکی»، محصول فضای اجتماعی دهه ۷۰ آمریکا است. روزگاری که این کشور خود را ایمان جنگ خونین و سیاه ویتنام می‌بیند و فقر و فلاکت را بین مردمان بیست‌هشت‌ساله می‌بیند.

نیل سایمون اثرش را در ساره همین دهه می‌فریند، توصیف کار یک‌تاور از او دختری که زاییده شرایط سخت و پیچیده طبقات اجتماعی است. است. متن ایسن فضا سازی، رودررویی شخصیت‌های درام با دختری که تعاریفش از زندگی روزمره سطحی و ساده‌انگانه‌است، جالب توجه می‌نماید. دختری که همیشه رژیم دارد، دختری که صبح ناشب برای خودش و روزیاب کردن کار می‌کند، دختری که نامزدش آمچیرال ارتشی بزرگ و قدرتمند است، دختری که رنگ‌های لباس و شکل و شمایل زندگی مصرفی آن دهه‌ها تبدیل به ارزش‌های تئاتر مفرقا رانه‌است. به بیانی بهتر جامعه‌ای که بین دو چرخه معیوب تولید و مصرف، ارزش افزودده به نوبه خود یکی از چرخ‌دنده‌های چرخ‌خنده چرخ‌ایران کرده‌ایانه‌است. با شکل ظاهری دیگری در فضایی دیگر توصیف می‌شود، جامعه‌ای بازار محور که با خلق نیاز موجب مصرف‌گرایی و زنده نگه داشتن خود رویه‌روست.

آثار نیل سایمون در ایران آثاری شناخته شده هستند. اقبال هنر مندان هنرهای نمایشی کشور به ترجمه و صحنه‌بردن این آثار نشانگر نزدیکی دنیای نمایشی و با مناسبات تئاتر کشور است. به‌خصوص اگر بدانیم اکثر آثار وی در ایران ترجمه و به صحنه رفته‌اند. استقبال افشار دانش‌گهی می‌زد بر علت است و در مجموع نمایشنامه‌های وی را بسیار طبع ذائقه مردم ایران کرده‌است. دختر یانکی از جمله آثاری است که در آن نویسنده به‌طور غیرمستقیم و در قالب داستانی کوتاه حکایت دو دوست و روزنامه‌نگار را دارد که در مسیر اجرای فرهنگی خود با دختری مواجه می‌شوند که چارچوب رویدادهای اجتماعی‌شان را محتل می‌کند.

نخستین روش کارگردان در مواجهه با اثر انتقاد متنی دقیق و بی‌تقص در همه بخش‌های درام‌نویسی است که اتفاقا با نگاهی عمیق به نیازهای جامعه امروز می‌آید. درک صحیح از جامعه موجب تجلی اثری پر تحرک و پر جزئیات، همچون دختر یانکی می‌شود. هوشمندی کارگردان در گفتن صحیح نقد‌های اجتماعی توأم با طنز است که موجب می‌شود در ذهن و جان مخاطب بنشیند و تأمل کند. بهرام تشکر، کارگردان خلاق و بهیشتربی است که به‌رغم محدودیت‌های موجود می‌داند چگونه از آنها برای صحیح‌سخن گفتن با مخاطبش بهره ببرد. انتخاب و هدایت بازیگران، طراحی مینزاسیون و خلق صحنه‌های بدیع و نواین نمایش را از دیگر نمایش‌های روی صحنه متمایز می‌کند. تأیید این مدعی استقبال کم‌نظیر مخاطبان و ابراز ضایتمندی از مشاهده این نمایش در تهران و ۵ شهرهای است که در استان‌های کشور داشته‌است.

این نمایش، محصول بلوغ نگاه اجتماعی کارگردانی است. بلوغ به جهت رسیدن به متنی که در اجتماع امروز دینی‌شدنی است.